



پیشامد بحران و عبور از سینمای تروماتیک!

اگر سینما را در ارکان اصلی آن یعنی تولید، توزیع و نمایش فیلم و آثار نمایشی در نظر بگیریم بدون شک مسأله و دغدغه اصلی امروز سینمای ایران در نسبت با بحران کرونا تعریف و صورت‌بندی می‌شود. ویروسی که در یک پاندمی بی‌سابقه در تاریخ معاصر نه تنها سینما و ساز و کارهای آن را با بحران و چالش‌های جدی مواجه کرده که ساحت‌های دیگر جامعه نیز تحت تأثیر این بحران قرار گرفته‌اند. ردپای این بحران در سینما در بخش تولید متجر به تعطیلی و کندی پروژه‌های سینمایی، در بخش توزیع و نمایش هم منجر به تعطیلی سینماها، اختلال در شبکه توزیع فیلم و ریزش شدید مخاطب بود. سینمای ایران که پیش از این هم با گیشه کم رونق و افت فروش مواجه بود با آفت کرونا، تحیف‌ترو آسیب پذیرتر شد و تا مرز ورشکستگی پیش رفت. به طوری که برخی از مرگ سینمای ایران سخن می‌گویند. اینکه کرونا چه پیامدهایی برای سینمای ایران داشت از تعطیلی سینماها و بیکاری سینماگران گرفته تا مرگ و میر اهالی سینما و تهدید شدن سلامت آنها را همه می‌دانیم و قصد بازگویی آن را ندارم.

هدف من در این یادداشت بیان این مسأله است که در بستر این موقعیت تروماتیک و مرگ آلود، می‌توان و باید به زنده ماندن و احیای سینمای ایران فکر کرد. نه فکری خام و خیالی خوش که برآمدی واهی متکی است که به دلایلی جامعه شناختی و تاریخی که دوران تازه‌ای از سینمای پساکرونايي ایران را شکل بدهد. مسأله این است که بحران صرفاً به پایان‌های سلبی ختم نمی‌شود بلکه به آغازهای ايجابی هم می‌انجامد. هر مرگی می‌تواند سرآغاز تولدی دیگر باشد. گرچه سینمای ایران امروز بواسطه شوک و ضربه‌ای که کرونا بر پیکره آن وارد کرده به یک سینمای تروماتیک بدل شده اما می‌توان با تمهیدات استراتژیک به بازآفرینی و شکوفایی مجدد آن کمک کرد. واقعیت این است که بسیاری از چالش‌های سینمای ایران مثل بحران مخاطب یا چالش اکران پیش از شیوع کرونا هم گریبانگیر سینمای ایران بود و با کرونا نمایان‌تر شد. یا ضعف در فیلمنامه‌نویسی یک چالش درون متنی در سینماست و به کرونا ربطی ندارد. کرونا بیش از آنکه ضربه مهلکی بر سینمای ایران باشد تلنگر تکان دهنده‌ای به آن بود تا ضعف‌ها و کاستی‌های خود را شفاف‌تر ببیند و چاره‌ای برای آن بیابد. نباید ضعف‌های درون متنی سینما را به عوامل برون متنی مثل کرونا نسبت داد و پشت آن پنهان شد. گرچه این ویروس برای سینمای ایران تهدیدی جدی بود اما فرصت جدیدی برای بازاندیشی درباره چالش‌های آن هم فراهم کرد که اگر با سیاستگذاری و مدیریت عالمانه و صادقانه همراه شود می‌تواند راهگشا باشد و شاید گزافه نباشد که بگوییم بحران کرونا می‌تواند به عبور از بحران‌های قدیمی سینمای ما منجر شود. لازمه این عبور، شناخت دقیق و پژوهشگرانه مشکلات سینمای ایران است. اتفاقاً بحران کرونا ضرورت پژوهش‌های سینمایی را بیش از گذشته کرده. ضرورتی که باید از طریق هم اندیشی سینماگران و اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی به یک هم‌افزایی جهت عبور از این بحران کمک کند. اکنون بهترین زمان است تا سینمای ایران از یافته‌های علوم و دانش‌های دیگر در یک تأمل و تعامل بین رشته‌ای برای دستیابی به راهکارهایی مؤثر و رهایی بخش برای رفع معضلات خود بیندیشد. شرط اول قدم آن است که ناامید نباشد. به قول

هانا آرنهت فیلسوف شهیر آلمانی، برای رسیدن به امید، تنها

راه واقعی این است که «از شناخت شر ناامید نشویم». استیصال در برابر شناخت شر، نابودی امید است. کرونا گرچه یک ویروس شر بود اما ضعف‌های سینمای ایران را هم نشان داد و حالا می‌توان با شناخت بی‌تعارف اما معرفت‌اندیشانه شرارت‌های سینمایی، به سینمایی بهتر امیدوار بود. قطعاً با همه ضعف‌ها و ناکارآمدی‌هایی که سینمای موجود دارد از ظرفیت و ظرفا‌تهایی هم برخوردار است که می‌تواند از این جنگ سلامت محور به سلامت عبور کند و با بازسازی ظرفیت‌های درونی و بهره‌گیری از راهکارهای نخبگان فرهنگی و هنری به حیات خود ادامه دهد. بحران‌های اجتماعی که یک روز در جنگ و یک روز در بلایای طبیعی و روزی در مصایب اقتصادی بروز و ظهور می‌کند همواره در تاریخ بشر وجود داشته و همواره اراده و آگاهی انسان بر این بحران‌ها غلبه کرده و تکامل جامعه بشری را در طول تاریخ رقم زده. اکنون در این بزنگاه تاریخی پرخطر، ایستادن بر لبه پرتگاه شاید نه تقدیر سقوط که تدبیر پرواز باشد. سینمای ایران بویژه در دود دهه اخیر با بحران مخاطب، معضلات اکران و چرخه اقتصادی معیوب همراه بوده که حالا با بحران کرونا بیشتر به چشم آمده، در کانون توجه قرار گرفته و حس شده است. گویی فشار کرونا موجب شده تا چرخ‌های زیرپوستی سینمای ایران بیرون بزنند. گرچه این اتفاق تجربه دردناکی است اما می‌تواند آغاز درمان و بهبود هم باشد. در واقع کرونا، ضرورت دگردیسی ساختارهای سینمای ایران با تغییرات اجتماعی در جهان رسانه‌ای شده امروز را به جلو انداخت. تغییراتی که بویژه با توسعه و گسترش فناوری‌های نوین رسانه‌ای از جمله هژمونی شبکه‌های اجتماعی در زیست-جهان انسان مدرن، ضرورت بازسازی سینمای نوین متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای جامعه شبکه‌ای شده امروز را مدت‌ها پیش از کرونا ايجاب کرده بود. از جمله در ترسیم دولت الکترونیکی و شهروند دیجیتال به مثابه یک الزام اجتماعی، سینما باید چه به مثابه یک پدیده و ابژه هنری و فرهنگی و چه به مثابه رسانه، خود را با الزام جامعه جدید انطباق می‌داد. در این ساختار نو مثلاً در بخش نمایش، اشکال جدید اکران آنلاین و شکل‌گیری مخاطب نوین سینما یک ضرورت بود. در واقع اگر کرونا هم نمی‌آمد، سینمای ایران باید به فکر طراحی پلتفرم‌های مجازی جهت نمایش و اکران فیلم‌هایش بود. این شیوه نوین اکران فیلم مبتنی بر تغییرات اجتماعی در سبک زندگی انسان مدرن و تحولات فناورانه در حوزه رسانه بوده و اگر کرونا هم به پایان برسد اکران آنلاین به مثابه پیشنهاد و راهکار تازه در دوران پساکرونايي هم ادامه می‌یابد. همان‌طور که در عرصه مطبوعات با بحران روزنامه‌نگاری کاغذی، روزنامه‌نگاری اینترنتی و فناورانه، جایگزین آن شد تا پرچم این رسانه به زمین نیفتد. وقتی به تاریخ سینما مراجعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که سینما در هر برهه تاریخی متناسب با ضرورت‌ها و ملزومات پدیده آمده در زیست اجتماعی، دچار دگردیسی شده و خود را با آن

انطباق داده است. حتی ضرورت‌های اجتماعی تأثیرات درون متنی هم در سینما داشته و مثلاً منجر به شکل‌گیری برخی ژانرهای سینمایی شده. تجربه تاریخی خودمان در دوران جنگ گواه بر این است. در هشت سال دفاع مقدس، سینما به‌جای آنکه تعطیل شود یا به محاق رود منطبق با ویژگی‌های آن دوره، ژانر دفاع مقدس را خلق کرد و صاحب ژانر جنگی ویژه خود شد. در واقع به جای انفعال و تسلیم شدن به بحران‌های ناشی از جنگ، در یک مواجهه کنشگرانه به بازسازی و بازتولید خود پرداخت و نه تنها از حیات و هویت حرفه‌ای خود صیانت کرد که به نیاز ملی و اجتماعی زمانه خود هم پاسخ داد. اگر کرونا را هم یک اهریمن بیولوژیک بدانیم می‌توان با سیاست‌های استراتژیک دفاعی در سینما، نه تنها وجود سینما را حفظ کرد که موجودی آن را هم افزایش داد و از این تهدید به فرصتی برای تقویت و کارآمدتر کردن این هنر-صنعت بهره برد. سینمای ایران در این زمینه کارنامه درخشانی دارد و نشان داد که طی ادوار گذشته با تکیه بر قابلیت‌ها و انعطاف‌پذیری خود موفق شده از انواع بحران‌های اجتماعی به سلامت عبور کند و خود را نجات دهد. در التهابات و بحران‌های دهه اول انقلاب که سینما تا مرز تعطیلی همیشگی رفته بود، سیاست گلخانه‌ای مدیریت سینمایی وقت با همه ضعف و کاستی‌هایش توانست به معماری نوین سینمای ایران دست بزند و سینمای به کما رفته را احیا کند. اکنون نیز که سینما دچار کمای کرونايي است می‌توان با تجربه‌های پیشین و تفکر خلاقه نخبگان فرهنگی و هنری، این تهدید را به فرصتی تازه برای شکل‌گیری سینمای نوین ایران بدل کرد. سینمایی که ساز و کارهای آن منطبق با تغییرات اجتماعی جهان امروز، نوسازی و بازتولید شود و به حیات پویای خود ادامه دهد. نمونه‌هایی از این تجربه‌های تازه را در اکران آنلاین و برگزاری جشنواره کودک و جشنواره سینما حقیقت شاهد بودیم که گرچه با کم و کاستی‌هایی همراه بود اما نشان داد می‌توان در دل این بحران هم ارکان سینما را سرپا نگه داشت. بدیهی است جشنواره‌های آنلاین برای نخستین بار در کشور تجربه می‌شد و تداوم آن می‌تواند به رفع تدریجی نواقص و کارآمدتر شدن آن کمک کند. از سوی دیگر درایام کرونا شاهد ظهور و شکل‌گیری گفت‌وگوهای آنلاین در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بودیم که ظرفیت تازه‌ای برای گفت‌وگوهای فرهنگی و پژوهشگرانه درباره سینما ایجاد کرد که تداوم و تکامل آن می‌تواند به آسیب‌شناسی و مسأله‌شناسی سینمای ایران کمک کند. این شمایل و تجربه‌های زیسته سینمایی تازه در نخستین مرحله تجربه کردن است و قطعاً در طول زمان به قوام و اثربخشی بیشتری هم خواهد رسید و ظرفیت‌های تازه‌ای برای درک و پردازش مسائل سینمای ایران ایجاد خواهد کرد. مقصود اینکه شرایط تروماتیک سینمای کنونی می‌تواند به یک فرصت تازه برای پوست‌اندازی آن بدل شود. گاهی بحران‌های بیرونی به تحولات درونی یک پدیده منجر شده و زمینه و زمانه یک جهش توسعه یافته را فراهم می‌کند. همچنان که کرونا موجب یک انقلاب و دگردیسی در سبک زندگی مردم ما شد و رعایت اصول بهداشتی را نهادینه کرد، سینما و مناسبات سینمایی هم می‌تواند در پس این بحران به تحولی بنیادی در مدیریت خود برسد که رشد و ارتقای آن را در پی داشته باشد. سینمایی که طی دو دهه اخیر کجدار و مریز به راه خود ادامه داده حالا با این ضربه و ترومای اجتماعی ممکن است از وضعیت برزخی و بلاتکلیفی در آمد و جامه جدید به تن کند. «جفری الکساندر» نظریه پرداز ترومای فرهنگی می‌گوید: «در موقعیت ترومای فرهنگی، روابط جدیدی میان ساختارها، سیستم‌ها، مفاهیم و کنش‌ها برقرار می‌شود. در چنین موقعیتی «مسئولیت اجتماعی» و «کنش سیاسی» معنا و هویت و هستی تازه‌ای پیدا می‌کند و افراد و سازمان‌ها ناگزیر باید متناسب با این موقعیت ساز و کار و عملکرد خود را بازتعریف کرده و ارائه کنند.» واقعیت این است که ترومای فرهنگی یک امر طبیعی نیست بلکه یک «برساخته اجتماعی» است که محصول نوع مواجهه و تأویل ما از رخدادها و بلايا و حوادث هولناک است. بر این اساس نوع مواجهه ما با بحران کرونا و تأثیر آن بر سینما که بویژه در بازنمایی‌های رسانه‌ای رخ می‌دهد نقش مهمی در عبور یا ایستایی سینمای ما در وضعیت کنونی دارد. بسیاری از التهاب‌های اجتماعی یا سیاه‌نمایی‌های برساخته آن محصول شیوه‌های بازنمایی بحران است. درست در همین نقطه است که پژوهش سینمایی ضرورتی مضاعف پیدا می‌کند تا فارغ از هیاهو و جنجال‌های ژورنالیستی به درک و بازنمایی درست وضعیت سینمای ایران دست بزند و با خوانش دقیق آن به عبور از این چالش کمک کند. اکنون اما سینمای ما محتاج ایستادگی در برابر بحران کروناست نه ایستایی یا وادادگی در برابر آن. این ایستادگی از طریق فهم وضعیت تروماتیک سینمای موجود و هم‌اندیشی نخبگان فرهنگی و هنری کشور در حوزه‌های مختلف برای ارائه راهکار و تبیین و تعیین سیاست‌های استراتژیک برای برون رفت از این بحران نیاز دارد تا سینمای ایران بتواند در آستانه قرن جدید و در دوران پساکرونايي به سینمایی پویا، اثرگذار و کارآمدی بدل شود که بتواند مثل گذشته افتخار و اعتبار خود را در جهان حفظ کند. ■